

آینده‌پژوهی سیاستگذاری هنر در نهادهای حاکمیتی ایران در افق ۱۴۲۰ ه. ش. با روش تحلیل ساختاری اثرات متقابل

ساناز باحجب قدسی،* فاطمه شاهرودی،** مهدی مطهرنیا*** و بهنام کامرانی****

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۰	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۷	شماره صفحه: ۳۱۶-۲۸۵
-------------------	--------------------------	-------------------------	---------------------

آینده‌پژوهی با ژرف‌اندیشی سهم بزرگی در کاهش خطاهای تخمینی در ساحت‌های گوناگون و کاهش غافلگیری‌های استراتژیک نهادهای حاکمیتی در آینده دارد. در عرصه سیاستگذاری هنر نیز عدم قطعیت‌ها در شبکه‌ای از رویدادها، روندها و متغیرها، محیطی مملو از حلقه‌های بازخورد پیچیده و بغرنج ایجاد می‌کند که روش‌های برنامه‌ریزی سنتی مبتنی بر پیش‌بینی‌های قطعی تصمیم‌سازان را نسبت به آنچه در واقعیت رخ می‌دهد به چالش می‌کشد. در این مقاله تلاش می‌شود با تحلیل تأثیرات متقابل، احتمال تأثیر یک رویداد بر رویدادی دیگر پیش‌نگری شده و به این پرسش محوری پاسخ داده شود که اصلی‌ترین پیشران‌ها و عدم قطعیت‌های کلیدی در تحلیل آینده‌پژوهی سیاستگذاری هنر در نهادهای حاکمیتی ایران در افق ۱۴۲۰ ه. ش. چیست؟ پژوهش حاضر از نوع هدف، کاربردی بوده و به شیوه کمی انجام شده است. اطلاعات لازم به شیوه کتابخانه‌ای و میدانی جمع‌آوری شده و با روش نظریه داده‌بنیاد چندگانه برپایه فراترکیب و بهره‌گیری از تحلیل اثرات متقابل در نرم‌افزار میک‌مک با تشکیل ماتریس ۱۵ در ۱۵ مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که اصلی‌ترین پیشران‌ها که بالاترین تأثیرگذاری را بر سایر متغیرها دارد؛ «کنشگری هنرمندان»، «نظارت و مداخله‌گری و لغزندگی سیاستگذاری ارزشی»، «آموزش هنر»، «هنر و فناوری‌های نوین» و «هنر مورد حمایت دولت» است که از میان آنها دو مورد «کنشگری هنرمندان» و «نظارت و مداخله‌گری» به‌علت تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بالا، عدم قطعیت کلیدی است و به‌عنوان شاخص ناپایداری بر دیگر مؤلفه‌های ماتریس تأثیر می‌گذارد. همچنین «آموزش هنر» به‌عنوان تسهیلگر قرار دارد.

کلیدواژه‌ها: آینده‌پژوهی هنر؛ سیاستگذاری هنر؛ سیاستگذاری فرهنگی؛ افق ۱۴۲۰ ه. ش.؛ پیشران‌های سیاستگذاری هنر؛ تحلیل اثرات متقابل؛ فراترکیب

Email: dr.ghodsi@soore.ac.ir

* استادیار دانشکده هنر، دانشگاه بین‌المللی سوره، ایران؛

** استادیار دانشکده هنر، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛

Email: fa.shahroodi@iau.ir

Email: dmmotaharnia@iau.ir

*** استادیار دانشکده علوم انسانی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران؛

Email: b.kamrani@art.ac.ir

**** استادیار گروه نقاشی، دانشکده تجسمی، دانشگاه هنر ایران، تهران، ایران؛

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی و دوم، شماره یکصد و بیست و یکم، بهار ۱۴۰۴

doi: 10.22034/mr.2023.15266.5462

مقدمه

آینده‌پژوهان جهان پیرامون ما را بی‌ثبات، سرشار از عدم قطعیت، پیچیده و مبهم توصیف می‌کنند که به‌اختصار «VUCA»^۱ نام دارد. همچنین تنها با شناسایی چالش‌های منحصربه‌فرد شرایط فوق می‌توان موقعیت‌ها را برای دستیابی به فرصت‌های نهفته در آن کسب کرد؛ چراکه نوسان، عدم قطعیت، پیچیدگی و ابهام، همه نیازمند به پاسخ‌های جداگانه است (Bennett and Lemoine, 2014: 311). «آینده‌پژوهی با بهره‌گیری از طیف وسیعی از متدولوژی‌ها، به گمانه‌زنی‌های سیستماتیک و خردورزانه در مورد نه فقط یک آینده بلکه چندین آینده متصور مبادرت می‌شود» (اسلاتر، ۱۳۸۶: ۵۶). دیتور^۲ یکی از آینده‌پژوهان برجسته، معتقد است آینده حاصل اندر کنش روندها،^۳ رویدادها،^۴ تصاویر^۵ و اقدام‌ها^۶ است. روند، اشاره به پیوستگی تاریخی و زمانی دارد که از گذشته آغاز می‌شود و تا آینده ادامه می‌یابد و نشان‌دهنده تغییرات منظم در داده‌ها یا پدیده‌ها در خلال زمان است اما برخلاف آن، رویداد، بر گسستگی‌های تاریخی تأکید می‌ورزد و حاصل یک اتفاق یا حادثه است که به‌شدت بر روندها و به‌طورکل بر آینده تأثیر می‌گذارد. تصاویر، حاصل برداشت یا خواست افراد و گروه‌های گوناگون در مورد آینده است و درنهایت اقدام‌ها، براساس تصاویر بازیگران مختلف از آینده شکل می‌گیرد (علیزاده، وحیدی مطلق و ناظمی، ۱۳۸۷: ۱۴-۱۳).

تصویرهای آینده که از طریق افکار در ذهن ملت‌ها و دولت‌ها شکل می‌گیرد، در شکل بخشیدن به آینده جهان نقشی اساسی ایفا می‌کند. این تصویرها به گرایش‌ها و تمایلات ملت‌ها و دولت‌ها شکل می‌دهد و سرانجام بر اقدام‌های آنها در جهت شکل بخشیدن به آینده تأثیر می‌گذارد (غفاری، مقیمی و پورعزت، ۱۳۹۵: ۱۲). ترسیم دیدمان‌های روشن آینده، آگاهی از تحولات و تصمیم‌گیری بهنگام، می‌تواند

1. Volatility, Uncertainty, Complexity, Ambiguity

2. Dator

3. Trends

4. Events

5. Images

6. Actions

هر جامعه‌ای را در یافتن بهترین راه‌ها توانا تر سازد. تلاش برای شناخت و معماری آینده در این محیط سرشار از بی‌ثباتی و آکنده از عدم قطعیت‌ها، مهم‌ترین رویکرد و راهکاری است که احتمال موفقیت و کامروایی دارد.

مفهوم آینده‌نگاری از ضعف دانش پیش‌بینی، دانش سیاستگذاری و دانش مدیریت راهبردی در پاسخ‌گویی به چالش‌های خاص، ظهور یافته است. فعالیت‌های آینده‌نگاری اغلب عدم کفایت نظام سیاستگذاری و مدیریت فعلی برای روبه‌رو شدن با چالش‌های اصلی اجتماع را روشن می‌کند. این فعالیت‌ها می‌تواند تناقض ذاتی میان مسائل بلندمدت اصلی جامعه و افق زمانی کوتاه‌مدت سیاستگذاران را نشان دهد. همچنین این فعالیت‌ها، تنش ذاتی میان وظیفه ساختارهای دولتی و مسائل چندبعدی این ساختارها را مورد توجه قرار می‌دهد (Da Costa et al., 2008:110).

همان‌طور که اسمیت و دابلیو لاریمر بیان می‌کنند سیاستگذاری اساسی‌ترین جلوه وجودی حاکمیت در عرصه تصمیم‌گیری است که طی آن پس از شناسایی یک مسئله و واکنش‌های بدیل آن، بهترین راه‌حل گزینش و اجرا شده، سپس اثر و نتایج اجرای آن ارزشیابی می‌شود. خط‌مشی منتخب بر مبنای ارزشیابی به‌دست آمده تداوم یافته یا بازنگری می‌شود و سرانجام خاتمه می‌یابد (اسمیت و دابلیو لاریمر، ۱۳۹۲: ۴۲). عرصه هنر نیز از این قاعده مستثنا نیست. «طی سالیانی که از شکل‌گیری نخستین ساختارهای نظام سیاستگذاری فرهنگی به‌طور رسمی و قانونی در ایران می‌گذرد همواره مسائل فرهنگی به‌صورت خرد و کلان در دستور کارهای سیاستگذاران فرهنگی کشور، بالا و پایین شده و برخی نیز حل شدند؛ اما هم‌زمان با گسترش جمعیت و تعاملات انسانی، تنوع اشکال ارتباطی، بالا رفتن آگاهی‌های فردی و جمعی، در هم تنیده‌تر شدن موضوع‌های اجتماعی و در مجموع پیچیده‌تر شدن مسائل انسانی، مسائل فرهنگی نیز بیشتر و پیچیده‌تر شد» (غلامپور آهنگر، ۱۳۹۶: ۸). از این‌رو، برای سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری‌های بهتر در زمینه هنر به درک و فهم آینده نیاز است. آینده الزاماً به ادامه وضع موجود محدود نشده و می‌توان با تلفیق آینده‌پژوهی و سیاستگذاری در خلق آینده هنر کشور و معماری

آن تلاش کرد.

یکی از اهداف آینده‌پژوهی سیاستگذاری هنر در نهادهای حاکمیتی این است که با ترکیب روش‌های آینده‌پژوهی در فرایند سیاستگذاری کلان در حوزه هنر، می‌توان به تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در راستای ارتقای هنر دست یافت. در این میان، شاخص‌های مؤثری که از دل وضعیت امروز سیاستگذاری هنر استخراج شده است به‌عنوان یک سلسله متغیر عمل می‌کند که هیچ‌کدام به‌صورت مستقل قابل تعریف نیست.

ازسوی دیگر، شناخت جامع محیط از مهم‌ترین نیروهای پیشران،^۱ که متشکل از مجموعه و خوشه‌ای سازگار از یک یا چند مؤلفه سازنده آینده است و عدم قطعیت‌های کلیدی که پیشران‌هایی است که به عوامل زیادی نظیر رفتار بازیگران وابسته‌اند و نمی‌توان با قطعیت و پیش‌بینی‌پذیری بالایی در مورد آنها سخن گفت؛ سیاستگذاری و برنامه‌ریزی راهبردی هنر را در آینده امری ضروری کرده است. با توجه به مطالب ذکر شده، مقاله حاضر در پی پاسخ به این پرسش محوری است که در تحلیل آینده‌پژوهی سیاستگذاری هنر در نهادهای حاکمیتی ایران در افق ۱۴۲۰، مهم‌ترین پیشران‌ها و عدم قطعیت‌های کلیدی چیست؟^۲

۱. پیشینه پژوهش

سیاستگذاری فرهنگی، حوزه بسیار گسترده‌ای دارد و مقالات بسیاری از ابعاد مختلف به آن پرداخته‌اند. این در حالی است که درخصوص آینده‌پژوهی سیاستگذاری هنر پژوهش‌های کافی انجام نشده است. با توجه به بدیع بودن آینده‌پژوهی سیاستگذاری هنر، پیشینه پژوهش حاضر با تمرکز بر آینده‌پژوهی سیاستگذاری فرهنگی و هنر صورت گرفته است.

1. Driver Forces

۲. محدودیت حجم مقاله و گستردگی موضوع سبب شد نویسندگان به‌ناچار بخشی از نتایج دیگر این پژوهش همچون سناریوهای حاصل از شناسایی پیشران‌ها و عوامل کلیدی را در مقالات مستقل دیگری منتشر کنند.

جدول ۱. خلاصه پژوهش‌های پیشین

ردیف	عنوان پژوهش	سال	پژوهشگر	نتیجه
۱	آینده‌پژوهی و هنر آینده‌گرا: بررسی نقش هنر در ترویج و تحقق چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور	۱۳۹۳	ملکی‌فر، ملکی‌فر و فخرایی	آینده‌پژوهی و هنر آینده‌گرا می‌تواند نقشی تاریخی در تحقق اهداف چشم‌انداز بیست‌ساله ایفا کند.
۲	صورت‌بندی مؤلفه‌های هنرمند انقلابی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای و دلالت‌های آن در سیاستگذاری هنر	۱۳۹۶	جعفری‌نیا	از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، هنرمند انقلابی دارای مؤلفه‌هایی چون راوی هنری، مؤمن، متعهد به انقلاب، مردمی، خلاق، تمدن‌ساز و اخلاق‌مدار است. دلالت‌های این مؤلفه‌ها در سیاستگذاری هنر در قالب «هویت‌سازی هنرمند، آموزش و تعالی در امر هنر، چگونگی شکل‌گیری نهادهای هنر و فضا سازی عرصه هنر، موضوع‌شناسی و خلق مفاهیم» است.
۳	سیاستگذاری موسیقی در جمهوری اسلامی ایران	۱۳۹۴	ملکان و موذن	سیاستگذاری حوزه موسیقی با معضلاتی چون سردرگمی ناشی از ابهام در مبانی فقهی موسیقی، ملاک‌های مجوزدهی و بی‌اعتنایی به موسیقی سنتی مواجه است.
۴	هنر از دیدگاه رهبری	۱۳۸۷	بشیر، زارع درخشان و همزاده ابیانه	همان‌گونه که یکی از شروط مهم پایایی و ماندگاری هر پیام، جای گرفتن در قالب‌های هنری است، برای انتقال مفاهیم متعالی و غنی اسلامی نیز گریزی به استفاده از ابزار هنر نیست. انقلاب اسلامی با ادعای جامعیت در تمام زمینه‌های فردی و جمعی و برای صدور اندیشه‌های خود نیازمند ابزار هنر است. عمق این نیاز جمعی آنگاه روشن‌تر می‌شود که جایگاه تاریخی انقلاب اسلامی در برابر ایدئولوژی‌هایی که به‌رغم کثرتشان در مبنای اومانیستی‌شان مشترک‌اند، درک شود و در راه انتقال اندیشه‌های والای انقلاب به نسل‌های آینده و همچنین، صدور آنها به دیگر حوزه‌های جغرافیایی و معرفی هموار شود. «هنر» یکی از بهترین ابزارهاست؛ زیرا هنر «زبان مشترک تمامی انسان‌ها» است.
۵	بررسی آثار پیشران‌های نوین بر فرهنگ و سیاست فرهنگی در ایران	۱۳۹۹	مهدی‌پور	رتبه‌بندی پیشران‌های فناورانه به‌ترتیب شامل علوم‌شناختی، فضای مجازی، نانو و فناوری زیستی می‌شود.
۶	نقش آینده‌پژوهی در شکل‌گیری سیاستگذاری هنر ایران	۱۴۰۱	باحجب قدسی و همکاران	آینده‌پژوهی هنر معاصر راهکار مناسبی برای ارتقای جایگاه هنر، شناخت فرصت‌ها و تهدیدهای آینده با تکیه بر تحولات علمی و فناوری نوظهور است.

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

۲. مبانی نظری پژوهش

۲-۱. آینده‌پژوهی و پیشران

آینده‌پژوهی^۱ یکی از حوزه‌های مطالعاتی جدید محسوب می‌شود. «در این دسته مطالعات، این واژه در ردیف واژگان مطرحی همچون «آینده‌اندیشی»^۲، «قلمرو آینده»^۳، «پیش‌بینی»^۴، «آینده‌نگاری»^۵، «آینده‌شناسی»^۶ که وابسته و برآمده از تئوری‌ها و پیش‌فرض‌های بسیارند» (ناظمی و قدیری، ۱۳۸۵: ۵) قرار می‌گیرد. درواقع، «آینده‌پژوهی در مقام یکی از مهم‌ترین ابزارهای تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در خدمت بشر از میانه‌های قرن بیستم به‌عنوان یک رشته علمی جدید مطرح شد. از آن زمان آینده‌پژوهی مسیر رشد خود را با سرعت طی کرده و از اوایل دهه ۱۹۹۰ به‌صورت آینده‌پژوهی مدرن درآمد است. هدف این علم بین‌رشته‌ای، بازتاب این موضوع است که «چگونه از دل شاخص‌های امروز، واقعیات فردا تولد می‌یابد» (Bell, 2003: 68). آینده‌پژوهی یاری‌دهنده پیش‌ارزیابی سیاست است که در قالب مدل‌ها، روش‌ها و ابزارها به آگاه‌سازی سیاست‌گذاران و ذی‌نفعان منجر شده و در نتیجه سبب بهبود کیفیت سیاست عمومی و ارتقای [همبستگی] سیاستی می‌شود و به‌عنوان تحولی قابلیت‌ی و روش‌شناختی در ابزارهای پیش‌ارزیابی سیاست مطرح است (قرونه، ۱۳۹۴: ۹۵).

آینده یک فرامسئله است و «آینده‌اندیشی یا باریخ‌شناسی»^۷ به‌عنوان یک حوزه مطالعاتی فرارشته‌ای برآن است که با ژرف‌اندیشی در باب آینده زمان «خطاهای تخمینی» ما را کاهش داده و از غافلگیری‌های استراتژیک در ساحت‌های گوناگون

-
1. Futures Studies
 2. Futures
 3. Futures Field
 4. Forecasting
 5. Foresight
 6. Futurology
 7. Huistory

زیست ما بکاھد (مطهرنیا، ۱۳۹۹: ۷). در فرایندهای آینده‌پژوهی مهم‌تر از شناسایی مسائل اصلی آینده، شناسایی روابط بین آنهاست؛ چراکه در عالم واقع این متغیرها بر یکدیگر اثرگذار بوده و هیچ‌کدام به‌صورت مستقل تعریف نمی‌شود. نگاه متقابل و شبکه‌ای به مسائل هنر ایران در آینده‌پژوهی، با «تمرکز بر بخش‌های دهگانه «نیروهای پیشران» موسوم به «S.T.E.E.P.V.M.A.S.L»^۱ در حیطه اجتماعی، فناوری، اقتصادی، زیست‌محیطی، سیاسی، ارزش‌ها، رسانه، امنیت، ارتش-نیروی انسانی و قانون» (همان)؛ درصدد شناخت و پویش محیط^۲ است. «پیشران‌ها، کلان‌روندهایی هستند که در پس عوامل کلیدی نقش‌آفرین در محیط قرار دارند و با اثرگذاری بر وضعیت نهایی موضوع‌ها یا تصمیم‌ها به‌شکلی غیرمستقیم بر آن تأثیر می‌گذارد» (Schwartz, 1996: 16).

«آینده نتیجه تعامل بسیاری از رویدادهای مرتبط از طریق ساختارهایی است که طی زمان در حال تکامل و پویایی است بنابراین برای کشف رفتار یک سیستم^۳ در آینده، تحلیل مجموعه «متغیرها»^۴ کلیدی‌ترین عامل توصیف سیستم و روابط متقابل آنها خواهد بود. این روش که در پژوهش حاضر نیز از آن بهره گرفته شده است، «تحلیل ساختاری اثرات متقابل»^۵ نامیده می‌شود. در این روش که تئودور گوردون^۶ و اولاف هلمر^۷ در سال ۱۹۶۶ توسعه دادند، با رویکردی رایانه‌ای با استفاده

۱. نیروهای پیشران S.T.E.E.P پنج دسته است که پیتر شوارتز پارامتر V و مهدی مطهرنیا پارامترهای M.A.S.L را در تکمیل آن اضافه کرده است که به شرح زیر است. Social, Technological, Economic, Environmental, Political, Value's, Media, Army, Security, Low/Legal

۲. «پویش محیطی یا Environmental Scanning عبارت است از کسب و استفاده از اطلاعاتی در مورد رویدادها، روندها و روابط در محیط بیرونی یک سازمان که آگاهی از آن به مدیریت در برنامه‌ریزی مسیر عملیات آتی سازمان کمک می‌کند» (Chun Wei Choo, 2002: 3).

۳. سیستم مجموعه‌ای از اجزای مرتبط است که در کلیت خویش برای ایفای وظیفه‌ای مشخص در کنش متقابل و هماهنگ با محیط است. در تفکر سیستمی، سازمان‌ها مانند سیستم‌هایی هستند که در دل یک مجموعه محیطی بزرگ‌تر قرار گرفته‌اند. هر سیستم شامل ورودی، خروجی، پردازش و بازخورد است (مختاری، ۱۳۸۸).

4. Variables

5. Cross-Impact Analysis (CIA)

6. Theodore Gordon

7. Olaf Helmer

از نرم‌افزار «میک‌مک»^۱ از یک ماتریس تأثیر متقابل برای توصیف سیستماتیک همه حالت‌های بالقوه تعامل بین مجموعه معینی از متغیرها و برای ارزیابی قدرت این تعاملات استفاده می‌شود» (Asan and Asan, 2007: 628).

۲-۲. سیاستگذاری هنر

سیاستگذاری هنر، زیرمجموعه‌ای از سیاستگذاری فرهنگی است. «سیاستگذاری فرهنگی عبارت است از تعیین خط‌مشی‌ها و راهبردهای کلان فرهنگی برای رسیدن به اهداف همکاری‌های فرهنگی، مشارکت فرهنگی، میراث فرهنگی و هویت فرهنگی» (همایون و جعفری، ۱۳۸۷: ۱۵). از دیدگاه علم سیاستگذاری، سیاست فرهنگی مقوله‌ای است دارای اهمیت راهبردی که بر توسعه پایدار اثر می‌گذارد و درواقع بخش اساسی آن است (اشتریان، ۱۳۸۱: ۱۰). در فرایند تدوین و اجرای سیاست فرهنگی طیف گسترده‌ای از بازیگران تأثیرگذارند؛ از جمله دولت، سیاستگذاران، برنامه‌ریزان، هنرمندان و ارگان‌های جامعه مدنی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم نقش آفرین هستند. مداخله [یا عدم مداخله] هدفمند، آگاهانه و سنجیده انسانی در فرایندها (اکبری، ۱۳۸۱: ۱۴)، از مهم‌ترین تصمیمات دولت‌ها در سیاستگذاری مسائل فرهنگی است که باید اتخاذ شود. از این‌رو پژوهشگران، تز دولت‌ها را در سیاستگذاری فرهنگی، کمابیش برگرفته از سه الگو می‌دانند که عبارتند از: برنامه‌ریزی محض، دخالت موردی دولت و پرهیز از دخالت. در فرایند سیاستگذاری فرهنگی تمرکز بر میزان و شیوه مداخله دولت‌ها با دو رویکرد «تصدی‌گری نظارتی و حمایتی» دسته‌بندی می‌شود که «شیوه سازمان سیاستگذاری فرهنگی در کشورها» نام دارد (اصلان‌زاده، ۱۳۹۴: ۹۱).

سیاستگذاری فرهنگی دولت در دو سطح قابل توجه است، سطح اول که «سیاست

۱. نرم‌افزار میک‌مک ((Micmac (Matrix-based Multiplication Applied to a Classification را میشل گودت در سال ۱۹۷۱ در مؤسسه نوآوری کامپیوتری فرانسوی با نظارت مرکز سازمان تحقیقات و راهبرد چشم‌انداز طراحی کرده است که برای تصمیم‌گیری‌های راهبردی و چشم‌اندازسازی کاربرد دارد.

فرهنگی»^۱ به آن می‌گویند؛ به‌طور عام بر ارزش‌ها و اصولی اطلاق می‌شود که انسان‌ها را در مسائل فرهنگی هدایت و راهنمایی می‌کند. درحقیقت این سیاست‌ها اصول کلی درباره اهداف اصلی و غایی در حوزه فرهنگ ارائه می‌دهد. دوم «سطح سیاستگذاری یا خط‌مشی‌های فرهنگی»^۲ است. این خط‌مشی‌ها عینی‌تر بوده تدابیر و راهکارهای اجرایی را در اختیار دست‌اندرکاران قرار می‌دهد که تصمیمات و اقدام‌های آنان بر زندگی مردم تأثیرگذار است (ذکایی و شفيعی، ۱۳۸۹: ۹۲-۹۱).

۲-۳. نهادهای حاکمیتی

حکومت‌ها در نقش‌های مختلف حمایتی، هدایتی، نظارتی و ترویجی به دخالت در هنر می‌پردازند. در ساختار هر حکومتی مجموعه‌ای از سازمان‌ها و نهادهای دست‌اندرکاران و متولیان انجام امور حکومتی (اعم از سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، حمایت، توسعه، نشر و توزیع، حفظ و نگهداری، نظارت، تولید، آموزش، گردآوری، ترویج، صدور مجوزها، تبلیغ، پژوهش، ارتباط با دولت‌ها و سازمان‌های خارجی و پخش اخبار) هستند (دفتر مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۵: ۱). بنابراین سطوح مختلفی برای سیاستگذاری و سیاست‌های فرهنگی قابل‌تصور است: سطح نخست، سیاست‌های کلان و ابرسیاست‌های فرهنگی است که در نظام جمهوری اسلامی ایران ازسوی رهبری نظام شکل می‌گیرد؛ سطح دوم، تدوین سیاست‌های عمومی فرهنگی ازسوی لایه‌های مدیریتی کشور است؛ سطح سوم، نهادهای دولتی و سازمان‌های مجری سیاست‌های فرهنگی است؛ سطح چهارم نیز سیاست‌های فرهنگی در قسمت نهادهای اجتماعی و سازمان‌های مردم‌نهاد و بخش خصوصی است. این چهار سطح در تعامل با یکدیگر، حکمرانی ملی را در زمینه‌های فرهنگی تشکیل می‌دهد (شریفی و فاضلی، ۱۳۹۱: ۷۷).

در این مقاله مراد از نهادهای حاکمیتی، نهادهایی است که بر سازنده عناصر ذهنی

1. Cultural Politics

2. Cultural Policy

حاکم بر قوای اجرایی در محیط‌های مختلف عملیاتی است. عناصر حاکمیتی متشکل از ولی‌فقیه، شورای عالی انقلاب فرهنگی (به‌عنوان مهم‌ترین دستگاه سیاستگذار که اصول، خط‌مشی‌ها و برنامه‌های فرهنگی را تبیین و تصویب می‌کند)، مجلس شورای اسلامی، قوه مجریه (هیئت دولت) و مجمع تشخیص مصلحت نظام، حاکم بر سیاستگذاری فرهنگی در کشور هستند. همچنین عناصر حاکمیتی غیرمستقیم نظیر حوزه علمیه قم و عواملی نظیر افکار عمومی و جبر فرهنگی از طریق ایجاد و شکل‌دهی فضا و اتمسفر گفتمانی بر محتوای سیاستگذاری‌های فرهنگی تأثیر می‌گذارند.

۳. روش انجام پژوهش

پژوهش حاضر از نوع هدف، کاربردی بوده و به شیوه کمی انجام شده است. اطلاعات لازم به شیوه کتابخانه‌ای و میدانی جمع‌آوری شده و با روش نظریه داده‌بنیاد چندگانه^۱ برپایه فراترکیب^۲ با کدگذاری باز، محوری و انتخابی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. داده‌های این مقاله شامل اسناد بالادستی،^۳ مصاحبه، گزارش‌ها و

۱. نظریه داده‌بنیاد چندگانه (Multi-Grounded Theory) یک روش پژوهش مبتنی بر زمینه مورد مطالعه است که نخستین بار در سال ۲۰۰۲ گلدکول و کرانهلم ارائه دادند. هدف از این چارچوب به چالش کشیدن برخی بنیادهای گراندد تئوری است. نظریه داده‌بنیاد چندگانه هم برپایه گراندد تئوری بنا نهاده شد. این روش شامل فراترکیب و گراندد تئوری و تحلیل محتوا است (Goldkuhl and Cronholm, 2010: 187).

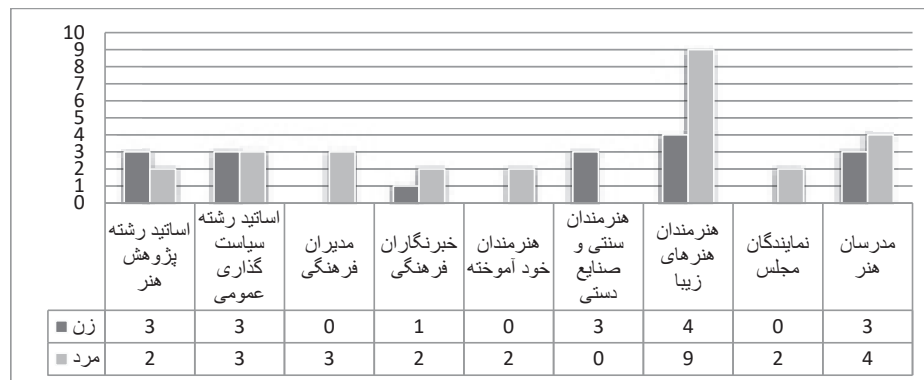
۲. فراترکیب Meta Synthesis به‌عنوان یک روش، مرور نظام‌مند برای تجمیع و یکپارچگی نتایج پژوهش‌های گوناگون مربوط به یک حوزه خاص به‌کار می‌رود و این روش زیرمجموعه روش فرامطالعه قرار می‌گیرد (کمالی، ۱۳۹۶: ۷۲۵).

۳. اسناد بالادستی به شرح زیر است:

- بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران،
- نقشه مهندسی فرهنگی کشور،
- سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی،
- اقدام‌ها و دستاوردهای دولت یازدهم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری ۱۳۹۶،
- اصول سیاست فرهنگی کشور، مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، تاریخ تصویب ۱۳۷۱/۰۵/۲۰،
- برنامه توسعه اول تا ششم،
- سند راهبردی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برنامه ششم توسعه،
- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش.

کارنامه‌های برخی نهادهای فرهنگی بوده است. با توجه به تنوع ذی‌نفعان حوزه هنر، موضوع آینده پژوهی سیاستگذاری هنر در نهادهای حاکمیتی با مشارکت ۴۴ نفر از متخصصان و کارشناسان که به تفکیک جنسیت ۱۷ نفر زن و ۲۷ نفر آنها مرد بودند که از بین خبرگان دانشگاهی با سابقه کاری ۱۰ تا ۳۰ سال در حوزه‌هایی مانند هنر، آینده پژوهی، سیاستگذاری و مدیریت که برخی از آنها وابسته به اندیشه‌های آینده‌اندیشی بودند به شرح نمودار ۱ صورت پذیرفت.

نمودار ۱. گزارش توزیع نوع جنسیت و تخصص مصاحبه‌شوندگان

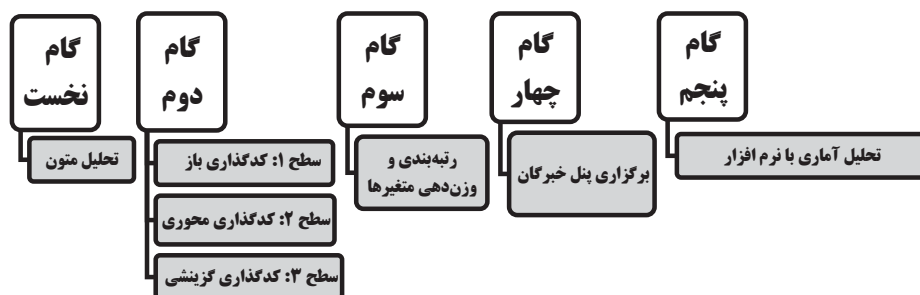


مأخذ: یافته‌های تحقیق.

روش‌شناسی این پژوهش در قالب پنج مرحله شامل: ۱. تحلیل متون و مصاحبه نیمه‌ساختارمند، ۲. استفاده از کدگذاری در سه سطح کدگذاری باز،^۱ کدگذاری محوری^۲ براساس شناخت محیط و کدگذاری گزینشی^۳، رتبه‌بندی و وزن‌دهی متغیرها و عدم قطعیت‌ها، ۴. برگزاری پنل خبرگان برای شناسایی اثرات متقابل متغیرها، ۵. تحلیل آماری که به کمک نرم‌افزار (میک‌مک) انجام شده است. این روند در شکل ۱ تصویر شده است.

1. Open Coding
2. Axial Coding
3. Selective Coding

شکل ۱. روش‌شناسی پژوهش



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

۳-۱. گام اول: تحلیل متون و مصاحبه

ابتدا تحلیل متون و مصاحبه نیمه‌ساختارمند از جامعه آماری نمونه (با محوریت پرسش اصلی پژوهش) انجام پذیرفت.

۳-۲. گام دوم: شناسایی متغیرها و کدگذاری در سه سطح

در پژوهش حاضر، اطلاعات حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای، مصاحبه‌ها، پنل‌های تخصصی خبرگان، اسناد بالادستی و درنهایت نتایج حاصل از طوفان فکری به‌صورت کدگذاری باز در سطح اول مورد استفاده قرار گرفت. «پیچیدگی محیط سیاست‌گذاری عمومی و ابعاد مختلف مسائل سیاستی ایجاب می‌کند که تحلیلگران سیاست، به رویکردهای روش‌شناسی مناسب مجهز باشند. در این میان، روش فراترکیب که عصاره پژوهش‌های انجام گرفته در یک موضوع خاص را به شیوه نظام‌مند و علمی فراروی سیاست‌گذاران قرار می‌دهد، نقش مهمی در روشن کردن ابعاد مختلف پدیده‌های سیاستی پیچیده دارد و یادگیری سیاستی را تسهیل می‌کند» (کمالی، ۱۳۹۶: ۷۲۱). همچنین در این مرحله اطلاعات حاصل از مصاحبه‌ها برپایه روش استراوس و کوربین^۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. این روش از سه مرحله اصلی کدگذاری

1. Strauss and Corbin's Grounded Theory

باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی صورت می‌پذیرد. بر این اساس داده‌های کیفی سطر به سطر مورد بررسی قرار گرفته و کدهای باز^۱ مرتبط با هدف پژوهش استخراج می‌شود. این بخش، فرایندی پویاست که به صورت مقایسه مداوم کدهای باز انجام می‌گیرد. به این معنا که با هر مصاحبه جدید کدهای استخراج شده با کدهای قبلی تطبیق داده شده و مواردی که مشابهت داشتند تحت عنوان مفهوم کلی‌تر ترکیب می‌شود. به این ترتیب، کم‌کم مفاهیم مقوله‌های فرعی و اصلی شکل می‌گیرد (استراوس و کوربین، ۱۳۹۵: ۱۳).

۱-۲-۳. سطح ۱: کدگذاری باز تشکیل مفاهیم اولیه

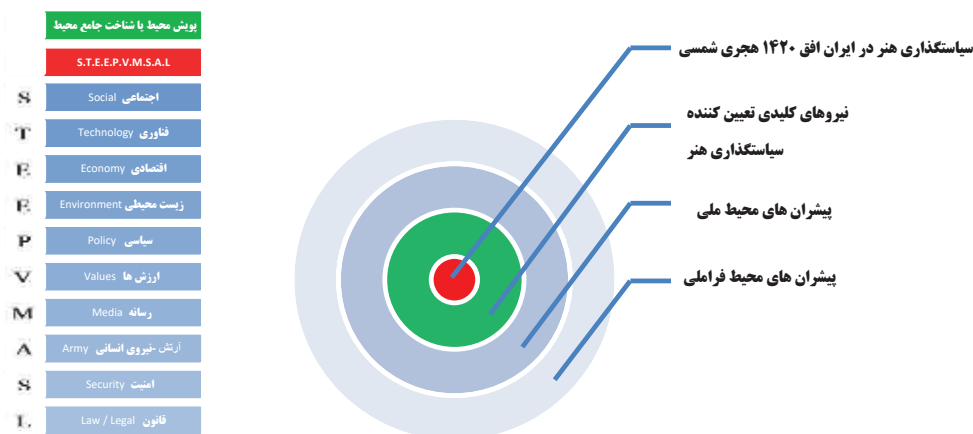
در تشکیل مفاهیم اولیه، داده‌هایی شامل مصاحبه‌های تخصصی، پانل خبرگان و تحلیل اسناد بالادستی و مرور منابع شامل گزارش‌های بین‌المللی و ملی درباره سیاستگذاری هنر، مقالات علمی داخلی و خارجی و پایش اخبار و گزارش‌های رسانه‌ها گردآوری شد که پس از ثبت داده‌ها (با کدگذاری باز) به شناسایی، تلخیص و پالایش شاخص‌ها پرداخته شد. شاخص‌های کیفی استخراج شده از طریق تجزیه و تحلیل به روش نظریه داده‌بنیاد چندگانه و فراترکیب حدود ۴۰۰ متغیر بود که این خروجی درخصوص مهم‌ترین چالش‌ها و مسائل (متغیرهای) مرتبط با سیاستگذاری هنر ایران که نهادهای حاکمیتی با آن مواجه است، مورد گمانه‌زنی قرار گرفت.

۲-۲-۳. سطح ۲: کدگذاری محوری براساس شناخت محیط

کدگذاری تفسیری (محوری) براساس پویش محیطی (شناخت جامع محیط) با تمرکز بر بخش‌های دهگانه «نیروهای پیشران» از میان موارد مطرح شده در دور اول، با تشکیل پنل خبرگان، به تعدادی از کارشناسان عرضه شد که فعالیت‌های چندرشته‌ای داشته و از نگرش کل‌نگرانه به مجموع مسائل سیاستگذاری فرهنگی برخوردار بودند. در این مرحله از گردآوری، تعداد متغیرهای اجتماعی (S) ۷ مورد،

فناوری (T) ۷ مورد، اقتصادی (E) ۱۰ مورد، زیست‌محیطی (E) ۳ مورد، سیاسی (P) ۱۲ مورد، ارزش‌ها (V) ۸ مورد، رسانه (M) ۵ مورد، ارتش-نیروی انسانی (A) ۵ مورد، امنیت (S) ۳ مورد، قانون (L) ۷ مورد بود که از پالایش شاخص‌های پیشران مجموع حدود ۶۷ مورد به‌دست آمد. سرانجام، با بررسی یافته‌ها درخصوص پیشران‌های اثرگذار در محیط محتوای آینده‌اندیشی سیاستگذاری هنر ایران، تعداد ۴۲ پیشران در سطح ملی و ۲۵ پیشران در سطح فراملی مؤثر مورد شناسایی قرار گرفت.

نمودار ۲. پویش محیط



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

۳-۲-۳. سطح ۳: کدگذاری گزینشی تشکیل پیشران و پیشران‌ها

پس از شناسایی محیط پیرامونی و فهرست کردن عوامل و نیروهای کلیدی موجود در سیاستگذاری مؤثر بر آینده‌پژوهی سیاستگذاری هنر، از پنل خبرگان برای شرکت در دور بعدی دعوت به‌عمل آمد تا پیشران‌ها را که به ۵۳ عامل تقلیل یافته بود، با کدگذاری گزینشی، مجدداً خوشه‌بندی کنند. طی پالایش مجدد شاخص‌ها، جمع‌بندی، ترکیب هم‌پوشانی‌ها، شناسایی اولویت‌ها و انجام اصلاحات لازم پیشران‌ها، به ۱۵ عدد تقلیل یافت. در سطح ۳ کدگذاری گزینشی، از پیشران‌های موجود، تأثیرگذارترین شاخص‌ها (پیشران‌ها)، برای ورود ارائه به نرم‌افزار استخراج شد (جدول ۲).

جدول ۲. پیشران‌های کلیدی یا پیشران

پیشران‌های کلیدی یا پیشران‌ها (خوشه‌بندی ۲)	متغیرها و پیشران‌ها
۱. اکوسیستم هنر ^۱	۱. کیفیت تعامل بین سازمان‌های هنری، ذی‌نفعان هنر و سیاست‌های فرهنگی
۲. بازار سنتی هنر	۲. بازار خارجی هنر (گالری‌ها، حراجی‌ها و مجموعه‌داران) ۳. بازار داخلی هنر (گالری‌ها، حراجی‌ها و مجموعه‌داران)
۳. اقتصاد صنایع خلاق	۴. اقتصاد خوشه‌های خلاق فرهنگی
۴. بازار هنر پلتفرم	۵. چالش مشاغل جدید هنر ۶. پلتفرم‌های اتصال به درگاه‌های عرضه آثار ۷. اقتصاد دیجیتالی و رمز غیرقابل معاوضه ^۲ بلاکچین ۸. هنرمندان خویش‌گزین ^۳ ۹. اهمیت یافتن اقتصاد توجه ^۴ ۱۰. همکاری هنرمندان شرکت‌ها و گروه‌های دانش‌بنیان ۱۱. شکاف دیجیتالی ^۵
۵. هنر و فناوری‌های نوین	۱۲. جهان محلی شدن دسترسی نامحدود و آزاد اطلاعات ۱۳. فضای مبتنی بر سرعت (امکان ارتباط و کسب اطلاعات در کوتاه‌ترین زمان) ۱۴. آواتاریسم ^۶ ۱۵. متاورس ^۷

۱. اکوسیستم هنر یا Arts Ecosystem یک چرخه ارتباطی پیچیده و وابسته به هم از روابط و تعامل بین سه گروه سازمان‌های هنری، ذی‌نفعان هنر و سیاست‌های فرهنگی است که بر فرهنگ، تولید و مصرف هنر تأثیر گذاشته و به جنبش و تحرک در بازار جهانی هنر منجر می‌شود.

2. Non-Fungible Token

3. Global Influencer Marketing

4. Attention Economy

۵. شکاف دیجیتالی یا Digital Divide اصطلاحی است که برای بیان نابرابری‌های توزیع جهانی دسترسی به فناوری دیجیتال و نابرابری مهارت استفاده از فناوری و سواد دیجیتالی به کار می‌رود. در این راستا مفهوم «اتصال» (Connection User) نوع معاصر ارتباط است که در کنار شکل سنتی «ارتباط رو در رو» (Communication) قرار می‌گیرد.

۶. «آواتار به تصاویری گفته می‌شود که یک شخص در فضای مجازی اعم از فضاهای چندرسانه‌ای و انجمن‌های گفتگو در قالب پروفایل انتخابی خود به صورت یک رابط گرافیکی اعم از عکس، انیمیشن و غیره استفاده می‌کند. آواتاریسم، پدیده نوظهوری است که رشد و گسترش آن از کشف روشی نوین برای پرکردن خلأهای ارتباطی انسانی منشأ می‌گیرد» (خزائی، نصرتی و تکلوی، ۴۹۳۱: ۸۲-۷۲).

۷. متاورس (Metaverse) فرضیه‌ای از آینده اینترنت است که از محیط‌های مجازی سه‌بعدی آنلاین غیرمتمرکز و پایدار تشکیل می‌شود. این دنیای مجازی از طریق هدست‌های واقعیت مجازی (VR)، عینک‌های واقعیت افزوده، گوشی‌های هوشمند، رایانه‌های شخصی و کنسول‌های بازی قابل دسترسی خواهد بود.

پیشران‌های کلیدی یا پیشران‌ها (خوشه‌بندی ۲)	متغیرها و پیشران‌ها
۵. هنر و فناوری‌های نوین	۱۶. هوش مصنوعی و کلان داده ^۸ ۱۷. فناوری‌های همگرای شزان ^۹ ۱۸. دسترسی نامحدود و آزاد اطلاعات ۱۹. فضای مبتنی بر سرعت (امکان ارتباط و کسب اطلاعات در کوتاه‌ترین زمان) ۲۰. هوشمندسازی فرهنگی و شهر هوشمند ۲۱. اینترنت ملی و اینترنت جهانی ۲۲. دولت الکترونیک
۶. نگاه سلیقه‌ای به فرهنگ	۲۳. تصاویر متناقض آینده‌های مطلوب ۲۴. تحولات نسلی و اجتماعی ۲۵. چالش هویت (حفظ ویژگی‌های ملی، قومی و فرهنگی اقوام و خرده‌فرهنگ‌ها) ۲۶. چالش‌های مواجهه فرهنگ‌های جهانی (تهاجم فرهنگی و تعامل فرهنگی) ۲۷. تغییر و تکثر ذائقه و هم‌زیستی تکثر فرهنگی و خرده‌فرهنگ‌ها در کنار هم
۷. آموزش هنر	۲۸. کرسی‌های اندیشه نخبگان هنری و دانشگاهی و آموزش عمومی هنر ۲۹. ارتقای سواد رسانه، چالش رسانه ملی و شبکه‌های اجتماعی
۸. نظارت و مداخله‌گری	۳۰. سیاست‌های تصدی‌گری، مداخله‌گری و نظارتی (سخت) ۳۱. سانسور هنری ۳۲. شفافیت در برخورد سلیقه‌ای نهادهای مداخله‌گر غیرپاسخگو (فراقانون)
۹. حقوق مالکیت معنوی	۳۳. حق نشر آثار ۳۴. قوانین حقوق مالکیت معنوی در ایران
۱۰. تسهیلات و صندوق‌های حمایتی هنر	۳۵. سیاست‌های حمایتی، سیاست‌های هدایتی و سیاست‌های تسهیلگر (نرم)
۱۱. چالش فقه و هنر	۳۶. نامشخص بودن وضعیت فقهی برخی از حوزه‌های هنر
۱۲. هنر مورد حمایت دولت	۳۷. تلاش برای تبیین دستاوردهای جمهوری اسلامی، فرهنگ شیعی، ارزش‌های انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و عاشورایی ۳۸. گفتمان تمدن اسلامی (درون‌زا) ۳۹. سیاست‌زدگی فرهنگ

8. Big Data

۹. فناوری‌های همگرا به مجموعه چهار فناوری شناختی، زیستی، اطلاعات و نانو (شزان) گفته می‌شود که در هم‌افزایی و یکپارچگی با هم قادرند به نیازهایی از آدمی پاسخ گویند که تاکنون فناوری‌های دیگر به آن قادر نبوده است. انتظار می‌رود این فناوری‌ها، بنیان یک ابرفناوری را گذارد که تمدن آدمی را به کلی تحت تأثیر خود قرار خواهد داد.

پیشران‌های کلیدی یا پیشران‌ها (خوشه‌بندی ۲)	متغیرها و پیشران‌ها
۱۳. چالش‌های ساختاری مدیریت	۴۰. چالش کوچک شدن دولت ۴۱. تعدد نهادها و سازمان‌های سیاستگذار ۴۲. موازی کاری نهادها و سازمان‌های متولی هنر ۴۳. چالش روزآمدی و جامعیت قوانین ۴۴. پالایش نیروی ناکارآمد و غیرکیفی در تصدی هنر ۴۵. ضعف تعامل و همکاری فراسازمانی و فرانهادی ۴۶. توزیع عادلانه فرصت‌ها و امکانات هنری و تمرکززدایی از کلان‌شهر
۱۴. کنشگری جامعه هنر	۴۷. کارزارهای هنر کنشگرا (پاسخگویی و تعامل با قدرت) ۴۸. نمود اقلیت‌ها و گروه‌های خاموش هنرمندان در فضای مجازی ۴۹. سیاستگذاری مشارکتی (دولت و مردم) ۵۰. انجمن‌های صنفی، تشکل‌ها و گروه‌های هنری ۵۱. جشنواره‌های آیینی، ملی و مناسبتی
۱۵. مخاطبان هنر	۵۲. افکار عمومی ۵۳. سلیقه و استقبال از نوع متفاوت محتوای مصرفی

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

۳-۳. گام سوم: رتبه‌بندی متغیرها و وزن‌دهی متغیرها

«گام بعدی شامل طبقه‌بندی پیشران‌های کلیدی و روندها براساس دو معیار است: اول، «درجه اهمیت» برای موفقیت موضوع یا تصمیم اصلی که در گام اول شناسایی شده است. دوم، «درجه عدم قطعیت» آن عوامل و روندها. [به بیان دیگر] نکته اصلی، شناسایی دو یا سه عامل یا روندی است که مهم‌ترین بوده و با بیشترین عدم قطعیت همراه باشد» (پدرام و جلالیوند، ۱۳۹۲: ۵۱-۵۰). بنابراین پس از حصول کدگذاری گزینشی یا جنینی از مرحله قبل، ۱۵ پیشران کلیدی به دست آمد. سپس رتبه‌بندی متغیرها براساس میزان تأثیر و قطعیت در سه سطح بالا، متوسط و پایین انجام شد و در پاسخ به سؤال محوری پژوهش؛ مؤلفه‌های کلیدی نظارت، مداخله‌گری و کنشگری جامعه هنر با بالاترین تأثیر و بالاترین عدم قطعیت از بین پیشران‌های آینده‌پژوهی سیاستگذاری هنر، شناسایی شد و امکان ورود به چهارمین مرحله فراهم گشت (جدول ۳).

جدول ۳. تأثیر و عدم قطعیت مؤلفه‌های کلیدی در آینده‌پژوهی سیاست‌گذاری هنر

	ارزیابی		متغیرها و پیشران‌ها
	تأثیر	عدم قطعیت	
۱	بالا	پایین	اکوسیستم هنر
۲	پایین	پایین	بازار سنتی هنر
۳	متوسط	پایین	بازار و اقتصاد صنایع خلاق
۴	متوسط	پایین	بازار هنر پلتفرم
۵	بالا	پایین	هنر و فناوری‌های نوین
۶	متوسط	متوسط	نگاه سلیقه‌ای به فرهنگ
۷	بالا	متوسط	آموزش هنر
۸	بالا	بالا	نظارت و مداخله‌گری
۹	پایین	پایین	حقوق مالکیت معنوی
۱۰	پایین	پایین	تسهیلات و صندوق‌های حمایتی هنر
۱۱	متوسط	متوسط	چالش فقه و هنر
۱۲	بالا	پایین	هنر مورد حمایت دولت
۱۳	متوسط	متوسط	چالش‌های ساختاری مدیریت
۱۴	بالا	بالا	کنشگری جامعه هنر
۱۵	متوسط	متوسط	مخاطبان هنر

مأخذ: همان.

۳-۴. گام چهارم: برگزاری پنل خبرگان

در این مرحله برای تحلیل ساختاری از نرم‌افزار میک‌مک برای شناسایی متغیرهای کلیدی استفاده شد. در این نرم‌افزار «روابط میان متغیرها به‌ویژه در سیستم‌های گسترده با ابعاد متعدد تحلیل می‌شود. به‌کارگیری داده‌های کیفی در کنار داده‌های کمی، این روش را به یکی از پرکاربردترین روش‌ها در آینده‌پژوهی تبدیل کرده است. در روش ساختاری، متغیرهای مؤثر بر سیستم در ماتریس NXN قرار می‌گیرد و براساس دیدگاه‌های کارشناسان، در طیفی از ۴ تا صفر ارزش‌گذاری می‌شود» (رنجبرنیا و پورمحمدی، ۱۳۹۷: ۸۹۶).

در این راستا برای آینده پژوهی سیاستگذاری هنر، ۱۵ متغیر حاصل از مراحل پیشین برای انجام تحلیل‌های اثرات متقابل برگزیده و تحلیل‌های روابط شبکه‌ای آنها عرضه شد. برای تکمیل این ماتریس، پنل‌های خبرگان برگزار شد. در این پنل‌ها با توجه به روند طولانی، تعداد محدودی از کارشناسان با حضور در جلسات به بحث و ابراز نظر درباره تأثیر متغیرها با یکدیگر پرداختند. در این خصوص یک ماتریس ۱۵×۱۵ برای شناسایی اثرات متقابل متغیرها تدارک دیده شد. برای هریک از عناصر ستون ۱ تا ۱۵ ماتریس، ۱۴ بار این سؤال پرسیده شد که «آیا متغیر سطر I تأثیری مستقیم بر متغیر ستون J دارد یا نه؟». به این ترتیب ماتریس نامتقارن اثرات متقابل با ۲۱۰ پاسخ کارشناسانه تکمیل شد. پس از وزن‌دهی هر خانه با مقادیر ۰، ۱، ۲، ۳ یا P، پنل خبرگان با استفاده از نرم‌افزار میک‌مک تجزیه و تحلیل کمی انجام داد (جدول ۴).

جدول ۴. ماتریس تأثیرات مستقیم (MDI)

	15: Audien	14: Activism	13: Structural	12: State Art	11: Jurisprude	10: Funds	9: Prop right	8: Supervise	7: Education	6: Personal	5: High tech	4: Platform	3: Creat indu	2: Trd market	1: ecosystem
1: ecosystem	0	3	3	3	2	1	3	1	2	0	1	0	0	0	3
2: Trd market	0	0	2	0	0	1	0	1	1	0	0	1	0	0	2
3: Creat indu	2	2	0	0	1	1	2	1	1	1	1	0	0	0	1
4: Platform	3	2	2	0	1	2	3	1	2	0	1	0	0	2	3
5: High tech	3	3	3	3	0	2	3	3	3	1	1	0	3	3	3
6: Personal	1	3	2	1	1	0	3	2	2	2	0	0	2	1	1
7: Education	2	3	3	3	3	3	0	2	3	1	1	0	1	3	3
8: Supervise	1	3	2	1	1	2	3	0	3	3	1	1	3	3	2
9: Prop right	1	2	2	2	1	1	1	0	0	0	0	0	0	1	2
10: Funds	0	3	2	1	0	0	1	0	0	0	0	0	0	0	2
11: Jurisprude	2	3	2	1	0	3	2	2	1	2	0	0	3	2	1
12: State Art	0	2	2	2	1	3	2	3	0	2	3	0	3	3	2
13: Structural	0	3	2	1	0	3	3	3	2	3	1	1	0	2	2
14: Activism	3	2	3	3	2	3	3	2	2	3	3	3	2	0	3
15: Audien	3	3	3	3	2	1	1	2	1	0	1	0	0	3	0

© UPSOR-EPITA-MICMAC

مأخذ: همان.

۵-۳. گام پنجم: تحلیل آماری با نرم افزار میک مک

در گام آخر، نقشه ها و خروجی های روش تحلیل ساختاری را می توان به سه دسته تقسیم کرد. نخست براساس ماتریس اثرات مستقیم؛ مهم ترین متغیرهای اثرگذار و وابسته شناسایی می شود. دوم براساس محاسبه اثرات غیرمستقیم درجه اول متغیرها با یکدیگر؛ مهم ترین متغیرهایی شناسایی می شود که تأثیرگذاری و تأثیرپذیری (وابستگی) غیرمستقیم دارد و در مرحله آخر؛ با اضافه کردن داده های مربوط به تأثیر احتمالی، تأثیرگذاری و تأثیرپذیری (وابستگی) مستقیم و غیرمستقیم دوباره شناسایی می شود (مولایی و طالبیان، ۱۳۹۵: ۲۰).

۴. نقشه تأثیر موقعیت نواحی چهارگانه محور مختصات میک مک

هر آرایه از ماتریس تحلیل ساختاری را می توان مطابق نمودار ۵ در محوری دوبعدی ترسیم کرد. محور افقی این نمودار مشخص کننده جمع امتیازهای سطری یک متغیر است. همین طور محور عمودی مشخص کننده جمع امتیازهای ستونی یک متغیر است. بنابراین هریک از مسائل یا متغیرها در فضای دوبعدی در نموداری چهاربخشی قابل مکان یابی خواهد بود و بسته به اینکه جمع مقادیر ماتریسی در کدام ناحیه نمودار قرار گیرد می توان چهار دسته متغیر را شناسایی کرد. این نقشه را می توان برای ماتریس اثرات مستقیم، اثرات غیرمستقیم و اثرات احتمالی با همین رویکرد ترسیم کرد (همان: ۲۰). موقعیت های چهارگانه محور مختصات میک مک مبنای تحلیل قرار می گیرد.

۱-۴. ناحیه اول (متغیرهای ورودی)^۱

این ناحیه شامل متغیرهایی با کمترین وابستگی و بیشترین تأثیر در گوشه سمت چپ بالای نمودار پیشران های اثرگذار یک سیستم است (همان: ۲۲). متغیرهای مستقل و با اثرگذاری بالا، تمایل به شرطی سازی پویایی سیستم دارد و در صورت امکان، برای

1. Input Variables

برنامه ریزی‌های استراتژیک باید در اولویت قرار گیرد (Godet, 1994: 99).

۴-۲. ناحیه دوم (متغیرهای حد واسط)^۱

متغیرهایی که در گوشه سمت راست بالای نمودار قرار می‌گیرد، بیشترین تأثیرپذیری یا وابستگی به دیگر متغیرها و نیز بیشترین تأثیرگذاری را بر متغیرهای دیگر دارد. به این متغیرها، «متغیرهای اعتماد» گفته می‌شود. این متغیرها درواقع شاخص ناپایداری در یک سیستم هستند (مولایی و طالبیان، ۱۳۹۵: ۲۱). این متغیرها از عوامل ذاتاً بی‌ثبات است. هر اقدامی که در مورد آنها صورت گیرد، به سرعت و در مقادیر بالا به پایین سرازیر شده و سایر نقاط سیستم را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Godet, 1994: 99)؛ زیرا به دلیل وابستگی به متغیرهای دیگر به سرعت تأثیرات را جذب می‌کند و به دلیل تأثیرگذاری به سرعت تأثیرات را انتقال می‌دهد به بیان دیگر، سرعت تأثیرگذاری و تأثیرپذیری این متغیرها سبب می‌شود قابلیت بالایی برای برهم زدن و ناپایداری سیستم داشته باشد (مولایی و طالبیان، ۱۳۹۵: ۲۱). از این رو دارای اهمیت راهبردی است.

۴-۳. ناحیه سوم (متغیرهای نتیجه)^۲

متغیرهایی که در گوشه سمت راست پایین نمودار قرار می‌گیرد با کمترین تأثیرگذاری و بیشترین وابستگی، بیشترین تأثیر را از تغییر در شرایط یک سیستم می‌پذیرد. به این متغیرها، متغیرهای وابسته می‌گویند. تغییر در این متغیرها گاه در نتیجه تأثیر متغیرهای پیشران است و گاهی این تأثیرپذیری درواقع تأثیر غیرمستقیم اثر پیشران‌ها بر متغیرهای اعتماد (گوشه سمت راست بالا) است (همان: ۲۲). به عبارتی رفتار متغیرهای این ناحیه، آثار ناشی از متغیرهای ورودی و واسطه‌ای را توضیح می‌دهد (Godet, 1994: 99).

1. Intermediate Variables

2. Resultant Variables

۴-۴. ناحیه چهارم (متغیرهای قابل چشم‌پوشی)^۱

متغیرهایی که در سمت چپ پایین نمودار قرار می‌گیرد، هم تأثیرگذاری کمی دارد و هم وابستگی کمی به دیگر متغیرها دارد. این دسته از متغیرها کمترین اهمیت را در یک سیستم دارد (مولایی و طالبیان، ۱۳۹۵: ۲۲). به عبارت دیگر این متغیرها تأثیر کمی بر رفتار آینده سیستم دارد و غالباً روندهای ساکن را توصیف می‌کند که با گذشت زمان تغییر کمی دارد. حذف این متغیرها، نتایج اندکی بر تجزیه و تحلیل‌ها خواهد داشت (Godet, 1994: 99).

۴-۵. ناحیه پنجم (متغیرهای خوشه‌ای^۲ یا نامعین)

متغیرهایی که در این ناحیه واقع می‌شود به اندازه کافی تأثیرگذار و تأثیرپذیر نیست تا بتوان آنها را در طبقه‌های پیشین جای داد. بنابراین، در مورد ماهیت و تأثیر آنها روی سیستم، نمی‌توان نتیجه‌گیری قطعی کرد. همچنین رسم نیمساز (در محور مختصات مطابق نمودار ۳)، به شناسایی متغیرهای کلیدی سیستم کمک می‌کند. عواملی که بالای نیمساز قرار می‌گیرد، اثرگذاری بیشتری نسبت به اثرپذیری دارد؛ اما تنها برخی از آنها برای برنامه‌ریزی اهمیت ویژه دارد که شامل متغیرهای نواحی اول، دوم و پنجم است (Ibid.: 100).

۵. یافته‌ها

یافته‌های حاصل از نرم‌افزار میک‌مک که در نمودار ۳ و ۴ و همچنین جدول ۵ جمع‌بندی شده، حاکی از آن است که از بین متغیرهای پانزدهگانه مورد مطالعه سیاستگذاری نهادهای حاکمیتی هنر، در ناحیه اول مختصات، متغیرهایی که بیشترین تأثیرگذاری را بر سیستم و سایر متغیرها دارد ولی تأثیرپذیری چندانی از متغیرهای درون سیستم نمی‌پذیرد: «هنر و فناوری‌های نوین» در محیط فراملی و

1. Excluded Variables

2. Clustered Variables

«هنر مورد حمایت دولت» در محیط ملی است.

همچنین پیشران اصلی دو وجهی اعتماد در ناحیه دوم که بیشترین تأثیرگذاری و تأثیرپذیری را بر سایر متغیرها دارد، عبارتند از: کنشگری جامعه هنر، نظارت و مداخله‌گری و لغزندگی سیاستگذاری ارزشی که به‌علت قرار گرفتن در بالای نیمساز مختصات، از عوامل ذاتاً بی‌ثبات است. اقدامی که در مورد آنها صورت گیرد، به‌سرعت و در مقادیر بالا به پایین سرانیر شده و سایر نقاط سیستم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین در پاسخ به سؤال محوری عدم قطعیت‌های کلیدی و راهبردی، این دو متغیر بیشترین عدم قطعیت را دارد. پس از آن «آموزش هنر» به‌عنوان تسهیلگر قرار دارد.

در ناحیه سوم متغیرهای بازار سنتی هنر، بازار صنایع خلاق و نگاه سلیقه‌ای به فرهنگ قرار دارد که متأثر از نتیجه متغیرهای پیشران و گاهی تأثیرپذیری از تأثیر غیرمستقیم اثر پیشران‌ها بر متغیرهای اعتماد هستند این متغیرهای وابسته اثرگذاری کمتری داشته ولی اثرپذیری بالایی از سیستم دارد.

در ناحیه چهارم نیز متغیرهای حقوق مالکیت معنوی، تسهیلات و صندوق‌های حمایتی هنر با روندهای ساکن و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری کم بر دیگر متغیرها شناسایی شد.

در ناحیه پنجم متغیرهای خوشه‌ای یا نامعین اکوسیستم زایای هنر، بازار هنر پلتفرم، حقوق مالکیت معنوی و تسهیلات و صندوق‌های حمایتی هنر قرار دارد. طبق منطق محاسباتی نرم‌افزار اگرچه این ناحیه با بخشی از نواحی سوم و چهارم هم‌پوشانی دارد اما به‌علت نزدیکی به محور مختصات، به‌اندازه کافی تأثیرگذار و تأثیرپذیر نیست تا بتوان آنها را در دسته‌بندی پیشین جای داد. بنابراین، در مورد ماهیت و تأثیر آنها روی سیستم، در این ناحیه، عدم قطعیت بالایی دارد (جدول ۵ نمودار ۳ و ۴).

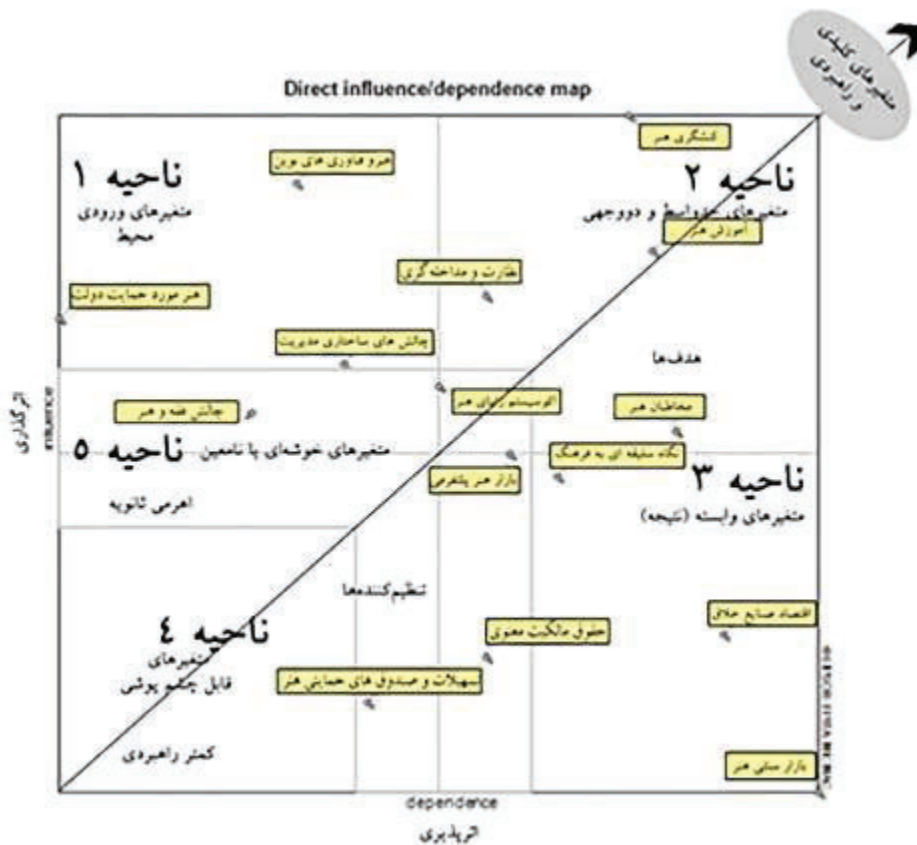
جدول ۵. رتبه اثرگذاری متغیرهای ورودی هر ربع و حد واسط و بالای نیمساز

رتبه اثرگذاری MDI	رتبه اثرپذیری MDI	آثار غیرمستقیم MII		آثار مستقیم MDI		عوامل و متغیرها	گونه‌ها
		اثرپذیری مجموع ستون	اثرگذاری مجموع سطر	اثرپذیری مجموع ستون	اثرگذاری مجموع سطر		
۱۴	۳	۸۵۷۲	۱۶۶۴۲	۱۵	۳۴	هنر و فناوری‌های نوین	متغیرهای ورودی (ناحیه اول)
۱۰	۴	۹۶۷۲۳	۱۱۸۸۵	۱۷	۲۶	چالش‌های ساختاری مدیریت	
۱۱	۱	۲۵۹۵	۱۴۳۶۷	۵	۲۸	هنر مورد حمایت دولت	
۸	۲	۵۷۶۱	۱۱۱۴۷	۱۳	۲۴	چالش فقه و هنر	
۹	۶	۱۱۵۶۹	۱۲۶۲۲	۲۱	۲۵	اکوسیستم زبانی هنر	متغیرهای حد واسط (ناحیه دوم)
۱۵	۱۰	۱۳۳۹۸	۱۸۰۲۳	۲۹	۳۷	❖ کنشگری جامعه هنر	
۱۳	۱۱	۱۴۰۵۹	۱۵۰۲۷	۳۰	۳۱	آموزش هنر	
۱۲	۷	۱۰۵۹۹	۱۳۶۳۰	۲۳	۲۹	❖ نظارت و مداخله‌گری	
۷	۱۲	۱۵۶۵۶	۱۱۷۲۲	۳۱	۲۳	مخاطبان هنر	متغیرهای نتیجه (ناحیه سوم)
۵	۹	۱۱۹۵۷	۹۶۱۴	۲۶	۲۱	نگاه سلیقه‌ای به فرهنگ	
۶	۸	۱۱۹۰۲	۱۱۲۲۲	۲۴	۲۲	بازار هنر پلتفرم	
۴	۱۳	۱۶۵۶۳	۶۹۷۸	۳۳	۱۴	بازار و اقتصاد صنایع خلاق	
۱	۱۴	۱۷۸۲۱	۳۰۳۹	۳۷	۷	بازار سنتی هنر	
۳	۷	۱۲۰۸۲	۶۲۵۰	۲۳	۱۳	حقوق مالکیت معنوی	
۲	۵	۷۸۳۶	۴۹۲۵	۱۸	۱۰	تسهیلات و صندوق‌های حمایتی هنر	متغیرهای کمتر راهبردی (ناحیه چهارم)
		۳۴۵	۳۴۵	۳۴۵	۳۴۵		مجموع
						اکوسیستم زبانی هنر بازار هنر پلتفرم حقوق مالکیت معنوی تسهیلات و صندوق‌های حمایتی هنر چالش فقه و هنر چالش‌های ساختاری مدیریت	متغیرهای خوشه‌ای یا نامعین (ناحیه پنجم)
						نظارت و مداخله‌گری کنشگری جامعه هنر	متغیرهای کلیدی بالای نیمساز (ناحیه دوم)

مأخذ: همان.

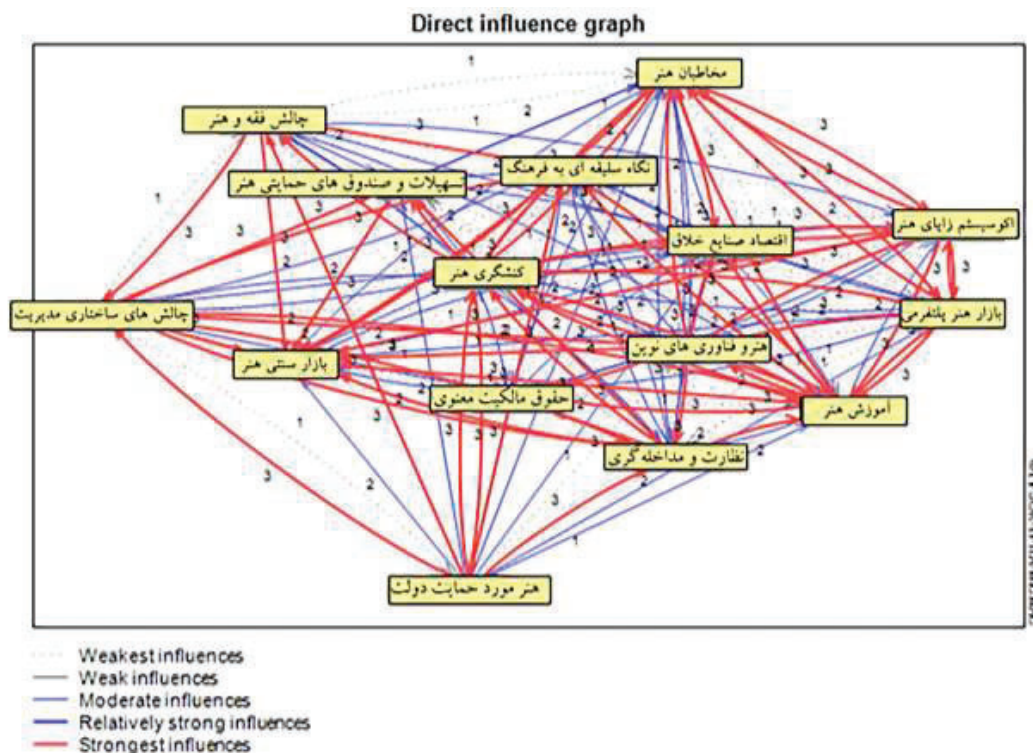
آینده پژوهی سیاستگذاری هنر در نهادهای حاکمیتی ایران در افق ۱۴۲۰ ه. ش. ۳۰۹

نمودار ۳. نقشه و تفسیر موقعیت‌های چهارگانه محور مختصات میک مک با تطبیق بر ماتریس خروجی



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

نمودار ۴. یافته‌های تحقیق تأثیرات متقابل مستقیم



مأخذ: همان.

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

امروزه، استفاده از روش‌های مختلف آینده‌پژوهی در حوزه سیاستگذاری فرهنگ و هنر ضروری است. روش تحلیل تأثیرات متقابل، یکی از روش‌هایی است که می‌کوشد با تحلیل روابط علت - معلولی بین شاخص‌های تأثیرگذار بر موضوع، ضمن مشخص کردن روندهای عمده و اصلی که آینده را شکل می‌دهد، با شناسایی عوامل کلیدی مؤثر، عدم قطعیت‌ها و پیشران‌ها، زمینه مطالعات بیشتر را برای تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی بهتر در راستای ارتقای هنر فراهم آورد.

در این راستا برای پاسخ به این پرسش محوری که در تحلیل آینده‌پژوهی

سیاستگذاری هنر در نهادهای حاکمیتی ایران در افق ۱۴۲۰ هجری شمسی، اصلی ترین پیشرانها و عدم قطعیت های کلیدی چیست، می توان گفت از بین متغیرهای پانزدهگانه مورد مطالعه سیاستگذاری نهادهای حاکمیتی هنر، براساس تحلیل چهار ربع محور (مختصات نمودار ۳ و جدول ۵) می توان دریافت، «کنشگری هنرمندان»، «نظارت و مداخله گری و لغزندگی سیاستگذاری ارزشی»، «هنر و فناوری های نوین»، «هنر مورد حمایت دولت» به علت تأثیرگذاری بالا مهم ترین پیشران های کلیدی است و در میان آنها «کنشگری هنرمندان» و «نظارت و مداخله گری» به علت تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بالا عدم قطعیت کلیدی نیز است و به عنوان شاخص ناپایداری بر دیگر مؤلفه های ماتریس تأثیر می گذارد. همچنین «آموزش هنر» به عنوان تسهیلگر قرار دارد.

به بیان ساده تر بر مبنای نتایج فرایند نرم افزاری در ناحیه ۱ مختصات نمودار ۳ «هنر و فناوری های نوین» در محیط فراملی و «هنر مورد حمایت دولت» در محیط ملی، مستقلاً در تعریف و شکل دهی به دیگر عناصر فضای سیاستگذاری هنر اثرگذاری بالایی دارد و باید برای برنامه ریزی های استراتژیک در اولویت قرار گیرد. همچنین متغیرهای «کنشگری هنرمندان» و «نظارت و مداخله گری» به علت قرارگیری در ناحیه دوم مختصات، به جهت تأثیرگذار و تأثیرپذیری بالای این ناحیه؛ اقدام های صورت گرفته در آن مستعد تأثیرگذاری بر سایر متغیرهاست و می تواند چرخه ای تکرارشونده را از بازخورد بیافریند که قابلیت بالایی برای برهم زدن و ناپایداری سایر متغیرها دارد و از این رو دارای اهمیت راهبردی است. آثار مثبت و منفی این چرخه ناپایدار و تکرارشونده و فضای گفتمانی حاصل از آن، به شدت بر متغیرهای تأثیرپذیر و وابسته در ناحیه سوم مختصات مانند «اقتصاد و بازار هنر» نمایان خواهد بود. در این راستا اتخاذ راهبردهای درست در عدم قطعیت های کلیدی در سیاستگذاری فرهنگی، بر ثبات بیشتر فضای هنر ایران، تأثیر مستقیم گذاشته در نتیجه باید با دقت عمل بیشتری در اولویت برنامه ریزی های استراتژیک سیاستگذاری هنر قرار گیرد.

در انتها موضوع هایی مانند آینده پژوهی و تحلیل بازیگران و ذی نفعان عرصه سیاستگذاری هنر؛ آینده پژوهی چالش های فناوری در سیاستگذاری هنر و

آینده‌پژوهی آموزش هنر و ... به‌عنوان پیشنهادهای پژوهشی در رصد محیط تغییرات
جهت سیاستگذاری عرصه هنر در کشور می‌تواند مؤثر واقع شود.

منابع و مآخذ

۱. آزاد ارمکی، تقی و نوح منوری (۱۳۸۹). «ارائه مدلی برای تحلیل محتوای سیاستهای فرهنگی»، *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ش ۲۰.
۲. آساکول، پ (۱۳۸۴). *روشهای مطالعات آینده پژوهی*، ترجمه سعید خزایی، تهران، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی مؤسسه آموزش و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۳. استراوس، انسلم و جولیت کوربین (۱۳۹۵). *مبانی پژوهش کیفی، فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*، ترجمه ابراهیم افشار، چاپ پنجم، تهران، نشر نی.
۴. اسلاتر، ریچارد (۱۳۸۶). *دانش‌واژه آینده پژوهی*، ترجمه محمدرضا فرزاد و امیر ناظمی کرامت‌زاده، تهران، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
۵. اسمیت، کوین بی و کریستوفر دابلیو لاریمر (۱۳۹۲). *درآمدی بر نظریه خط‌مشی‌گذاری عمومی (تقابل نظری عقلانیت‌گرا و فرااثبات‌گراها)*، ترجمه حسن دانایی‌فرد، تهران، انتشارات صفار.
۶. اشترینان، کیومرث (۱۳۸۱). *روش سیاستگذاری فرهنگی*، تهران، کتاب آشنا.
۷. اصلان‌زاده، فاطمه (۱۳۹۴). «تحلیل سیاستگذاری فرهنگی، با تأکید بر نظریه کنش ارتباطی هابرماس»، *فصلنامه علوم خبری*، ش ۱۴.
۸. اکبری، محمدعلی (۱۳۸۱). «تجرباتی از برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران»، *فصلنامه فرهنگ عمومی*، ش ۴۳.
۹. باحجب قدسی، ساناز، فاطمه شاه‌رودی، مهدی مطهرنیا و بهنام کامرانی (۱۴۰۱). «نقش آینده پژوهی در شکل‌گیری سیاستگذاری هنر ایران»، *جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، سال پنجم، ش ۴.
۱۰. بشیر، حسن، ابوذر زارع درخشان و حسین هم‌زاده ابیانه (۱۳۸۷). «هنر از دیدگاه رهبری»، *فصلنامه دین و ارتباطات*، ش ۳۳.
۱۱. پورمحمدی، محمدرضا، کریم حسین‌زاده دلیر، رسول قربانی و نادر زالی (۱۳۸۹). «مهندسی مجدد فرایند برنامه‌ریزی با تأکید بر کاربرد آینده‌نگاری»، *فصلنامه جغرافیا و توسعه*، ۲۰.
۱۲. جعفری‌نیا، مهدی (۱۳۹۶). «صورت‌بندی مؤلفه‌های هنرمند انقلابی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای و دلالت‌های آن در سیاستگذاری هنر»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده فرهنگ، علوم اجتماعی و رفتاری، دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام*.
۱۳. جلالیوند، عباس، عبدالرحیم پدram و سیده‌رؤیا بارسلطان (۱۳۹۲). *مقدمه‌ای بر آینده پژوهی: آشنایی با آینده پژوهی*، تهران، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۱۴. چوپانی‌رستمی، محسن، غلامرضا خجسته و عیسی کشاورز (۱۳۹۷). *مبانی آینده پژوهی*، تهران، انتشارات پشتیبان.

۱۵. حسین‌لی، رسول (۱۳۷۹). مبانی و اصول سیاست فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران (مجموعه مقالات)، تهران، نشر آن.
۱۶. خزائی، سعید، علیرضا نصرتی و فاطمه تکلوی (۱۳۹۴). «واکاوی پدیده آواتاریسم با روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها»، چشم‌انداز مدیریت دولتی، ش ۲۱.
۱۷. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۲). نقشه مهندسی - فرهنگی کشور.
۱۸. دفتر مطالعات فرهنگی (۱۳۸۵). «وضعیت هنر در ایران (۱)، آشنایی با متولیان عرصه هنر سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی هنری»، ش ۷۹۸۳.
۱۹. دیوید، فرد آر (۱۳۸۶). مدیریت استراتژیک، ترجمه سیدمحمد اعرابی و علی پارسائیان، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۲۰. ذکایی، محمدسعید و سمیه شفیعی (۱۳۸۹). «کالبد شکافی سیاستگذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، نشریه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ش ۲۰.
۲۱. رستمی، محسن، عیسی کشاورز و غلامرضا خجسته‌مهر (۱۳۹۷). روش‌های آینده‌پژوهی در صنایع فرهنگی، تهران، انتشارات پشتیبان.
۲۲. رنجبرنیا، بهزاد و محمدرضا پورمحمدی (۱۳۹۷). «تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه پایدار شهری با تأکید بر شکاف دیجیتال، به روش میک‌مک فازی (مطالعه‌ی موردی: تبریز ۲۰۱۸)»، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، دوره ۵۰، ش ۴.
۲۳. شریفی، سیدعلیرضا و عبدالرضا فاضلی (۱۳۹۱). «واکاوی سیاستگذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران (آسیب‌ها و راهبردها)»، مجلس و راهبرد، سال نوزدهم، ش ۹۶.
۲۴. شکیبانیا، مهدی (۱۳۸۵). «نگرشی بر بعد برنامه‌ریزی مهندسی فرهنگی»، نشریه مهندسی فرهنگی، ش ۳.
۲۵. صالحی امیری، سیدرضا و امیر عظیمی دولت‌آبادی (۱۳۹۵). مبانی سیاستگذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی، تهران، نشر ققنوس.
۲۶. عزیز، وحید وحیدی مطلق و امیر ناظمی (۱۳۸۷). سناریونگاری یا برنامه‌ریزی برپایه سناریوها، تهران، مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.
۲۷. عنایت‌اله، سهیل (۱۳۸۸). «تحلیل لایه‌لایه‌ای علت‌ها نظریه و موردکاوی‌های یک روش‌شناسی یکپارچه و متحول‌ساز آینده‌پژوهی (مجموعه‌مقالات)»، ترجمه مسعود منزوی، تهران، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
۲۸. غفاری، رحمان، سیدمحمد مقیمی و علی‌اصغر پورعزت (۱۳۹۵). «الگوی مناسب خط‌مشی‌گذاری حکومت‌های اسلامی مبتنی بر آینده موعود»، نشریه مدیریت اسلامی، ش ۹۵.

آینده‌پژوهی سیاستگذاری هنر در نهادهای حاکمیتی ایران در افق ۱۴۲۰ ه. ش. ... ۳۱۵

۲۹. غلامپور آهنگر، ابراهیم (۱۳۹۶). مسئله‌شناسی در حوزه فرهنگ، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی راهبردی معاونت توسعه مدیریت و منابع وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مؤسسه فرهنگی هنری پویه مهر اشراق.

۳۰. قرونه، حسن و اعظم بابکی راد (۱۳۹۴). پیش‌ارزیابی سیاست از (مفهوم تا اجرا) رویکرد آینده‌پژوهی به سیاستگذاری آینده‌پژوهی، چاپ اول، تهران، نشر آینده‌پژوه.

۳۱. کمالی، یحیی (۱۳۹۶). «روش‌شناسی فراترکیب و کاربرد آن در سیاستگذاری عمومی»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۷، ش ۳.

۳۲. گروه واژه‌گزینی (۱۳۸۹). فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، دفتر هفتم، تهران، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

۳۳. گودرزی، غلامرضا و محمد شیخ‌زاده (۱۳۸۸). «تحلیل وضعیت موجود سامان‌دهی نهادهای فرهنگی کشور با نگاهی به مفهوم و مبانی مهندسی فرهنگی»، نامه پژوهش فرهنگی، سال دهم، دوره سوم، ش ۵.

۳۴. مختاری، قاسم (۱۳۸۸). مقدمه‌ای بر تفکر سیستمی، ویرایش ششم، تهران، انتشارات بعثت.

۳۵. مطهرنیا، مهدی (۱۳۹۹). رساله زمان، مقدمه‌ای بر مدیریت آینده، تهران، انتشارات فارابی.

۳۶. مقتدایی، مرتضی و علیرضا ازغندی (۱۳۹۵). «آسیب‌شناسی سیاستگذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علوم سیاسی، سال دوازدهم، ش ۳۴.

۳۷. ملکان، مجید و کاظم موذن (۱۳۹۴). «سیاستگذاری موسیقی در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه رسانه، ۲۶ (۲).

۳۸. ملکی‌فر، عقیل، سیاوش ملکی‌فر و مرضیه فخرایی (۱۳۹۳). آینده‌پژوهی و هنر آینده‌گرا: بررسی نقش هنر در ترویج و تحقق چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور، تهران، انتشارات سوره مهر.

۳۹. مهدی‌پور، فرشاد (۱۳۹۹). «بررسی آثار پیشران‌های نوین بر فرهنگ و سیاست فرهنگی در ایران»، سیاست متعالیه، ۸ (۳۰).

۴۰. مولایی، محمدمهدی و حامد طالبیان (۱۳۹۵). «آینده‌پژوهی مسائل ایران با روش تحلیل ساختاری»، مجلس و راهبرد، ۲۳ (۸۶).

۴۱. مولر، پیر (۱۳۷۸). سیاستگذاری عمومی، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران، نشر دادگستر.

۴۲. هاریس، اس دایر (۱۳۸۷). علائم ضعیف، تهران، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی مؤسسه آموزش و تحقیقاتی صنایع دفاعی.

۴۳. همایون، محمدهادی و نادر جعفری (۱۳۸۷). «درآمدی بر مفهوم و روش سیاستگذاری فرهنگی»، فصلنامه اندیشه مدیریت، سال دوم، ش ۲.

44. Amin Nayeri, B., N. Zali and S.H. Motavaf (2017). "Identification of Regional Development Drivers by Scenario Planning", *International Journal of Urban Management and Energy Sustainability*, 1 (2).
45. Asan, Seyda Serdar and Umut Asan (2007). "Qualitative Cross - impact Analysis With Time Consideration", *Technological Forecasting and Social Change*, Vol. 5, No. 74, Issue 5.
46. Bell, W. (2003). *Foundation of Futures Studies: History, Purposes and Knowledge*, Transaction Publishers.
47. Bennett, N. and G.J. Lemoine (2014). "What a Difference a Word Makes: Understanding Threats to Performance in a VUCA World", *Business Horizons*, 57.
48. Berkhout, F. and J. Hertin (2002). *Foresight Futures Scenarios: Developing and Applying a Participative Strategic Planning Tool*, Greener Management, International.
49. Chun, Wei Choo (2002). "Environmental Scanning as Information Seeking and Organizational Knowing", PrimaVera Working Paper, Universiteit Van Amsterdam.
50. Da Costa, Orlando, Philippe Warnke, Cristiano Cagnin and Fabiana Scapolo (2008). "The Impact of Foresight on Policy-making: Insights from the Forlearn Mutual Learning Process", *Technology Analysis and Strategic Management*, 20 (3).
51. Godet, M. (2006). *Creating Futures: Scenario Planning as a Strategic Management Tool*, France, Economica Publish.
52. Godet, Michel (1994). *From Anticipation to Action: A Handbook of Strategic Prospective*, Unesco Publishing, Business Planning, 283 Pages.
53. Godet, Michel and Philippe Durance (2011). *Strategic Foresight for Corporate and Regional Development*, Dunod and Unesco.
54. Goldkuhl, G. and S. Cronholm (2010). "Adding Theoretical Grounding to Grounded Theory: Toward Multi-grounded Theory", *International Journal of Qualitative Methods*, 9 (2).
55. Gordon, T.J. (1994). "Cross-Impact Method", AC/UNU Millennium Project, Futures Research Methodology.
56. Kern, P. (2020). *The Future of Cultural Policies (Foreword by M. Gabriel, European Commissioner for Innovation, Research, Culture, Education and Youth)*, KEA European Affairs.
57. Samdanis, M. (2016). "The Impact of New Technology on Art", In J. Hackforth-Jones, I. Robertson (Eds.), *Art Business Today: 20 Key Topics*, London, Lund Humphries.
58. Saritas, O. and D.A. Anim (2017). "The Last and Next 10 Years of Foresight", Higher School of Economics Research Paper, No. WP BRP, 77.
59. Schwartz, P. (1996). *The art of the Long View: Paths to Strategic Insight for Yourself and Your Company*, Crown Pub.